

تدبیر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

هجدهم ذی الحجه ۱۴۴۴ مطابق با ۱۶/۴/۱۴۰۲

عید ولایت، عید سعید غدیر خم، عید الله الاکبر

را به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و همه منتظران ظهور و ارادتمندان و موالیان و محبین اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه سادات تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و بهترین بهره‌های از این مناسبت خجسته برای همه خاصه شیعیان و مسلمانان و محرومین جهان از خداوند مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْكَوْنَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ، وَوَصِيِّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرِّعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ، وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ؛

غدیر خم بسی موج‌آفرین است
درون موج آن امواج بی‌حد

تمام قصه‌ها را برترین است
بشر را رهنمایی بهترین است

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ خَلَقْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي: كِتَابَ اللَّهِ وَاهْلَ بَيْتِي، أَلَا وَ إِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي: أَنَّهُمَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ... إِنَّ اللَّهَ مَسْأَلُكُمْ كَيْفَ فِي كِتَابِهِ وَاهْلَ بَيْتِي - اى مردم! بیدار باشید. در بین شما چیزی را جا گذاشتم که اگر به آن تمسک جوئید، بعد از من گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و اهل بیت. آگاه باشید (خداى) ریزبین و خلی آگاه به من خبر داده که آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا بر من کنار حوض (کوثر) وارد شوند. به راستی خداوند از شما خواهد پرسید که بعد از من با کتابش و اهل بیتم چگونه رفتار کردید» (الغدیر، ج ۱، ص ۳۳، به نقل از الرياض النضرة، محب الدین طبری، ج ۲، ص ۱۶۹)

موضوع تدبیر:

چرا در این نقل که از اهل سنت هم هست، به جای کلمه «ثقلین» کلمه «ما» آمده؟ و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جریان غدیر چه تدابیری را برای از بین بردن هرگونه شک و تردید و باقی نگذاشتن عذر و بهانه‌ای، اندیشیده؟ و از ما چه می‌خواهد؟

پاسخ اجمالی:

کلمه «ما» به جای کلمه «ثقلین» در واقع قرآن و اهل بیت را حیثیتی جدا نشدنی و یک حقیقت در دو چهره، شمرده است! مانند ایمان به خدا و رسول (ص)، وقتی که با زبان عمل بازگو می‌شوند. از این رو آن حضرت از ما خواسته است که علی (ع) را میزان عمل بدانیم، و با زبان عمل چیزی مخالف خدا و رسول (ص) نگوئیم!!

غدیر خم به نصب مرتضی شد
ولایت عرضه شد بر هر چه هستی
که روز نصب جمله اوصیا شد
بود عید همه پاکان و خوبان
فلاح و رستگاری در ولا شد
بحق روز نجات انبیا شد

پاسخ تفصیلی:

این است که حدیث ثقلین و تکرار آن واقعاً مؤثر بود؛ به خاطر این که عده‌ای به‌خوبی مقصود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از این اقدامات متوجه شدند؛ از اینرو دست به توطئه زدند. در این زمینه

می‌خوانیم: «فَاجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ قَالُوا: بِرَيْدٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَجْعَلَ الْإِمَامَةَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَخَرَجَ مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ نَفَرَ إِلَى مَكَّةَ وَ دَخَلُوا الْكَعْبَةَ وَ تَعَاهَدُوا وَ تَعَقَّدُوا وَ كَتَبُوا فِيهَا بَيْنَهُمْ كِتَاباً إِنَّ أَمَاتَ اللَّهُ مُحَمَّداً أَوْ قَتَلَهُ أَنْ لَا يَرْتَدُّوا هَذَا الْأَمْرَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ أَبَداً فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ فِي ذَلِكَ «أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ» أَمَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَى وَ رُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ- گروهی از صحابه اجتماع کردند و گفتند: محمد اراده کرده که امامت را در اهل بیت خود قرار دهد. پس چهار نفر از آنها به سمت مکه رفتند و داخل کعبه رفته و عهد و پیمان بستند و پیمان نامه‌ای نوشتند که اگر خدا، پیامبر را از دنیا برد و یا کشته شد، نگذارند به هیچ وجه خلافت به اهل بیت او برگردد. پس خداوند بلندمرتبه در این رابطه این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود: «بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند ما نیز اراده محکمی [درباره آنها] داریم. آیا آنان می‌پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می‌نویسند.» (بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۳، باب ۵۲؛ زخرف/۷۹ و ۸۰)

در واقع این افراد تلاش‌هایی انجام دادند که جلو حرکت عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله را بگیرند؛ ولی با عنایت الهی موفق نشدند؛ این عنایت الهی به دست پیامبرش به صورت تدابیری به ظهور رسید که مهم‌ترین آنها:

۱. **دستور به توقف در جحفه:** پیامبر صلی الله علیه و آله در جحفه، محلّ غدیر خم دستور به توقف داد، به آنهایی که از آنجا گذشته بودند، دستور داد که برگردند و منتظر ماندند تا افرادی که نرسیده‌اند، به آنان ملحق شوند. این نشان می‌دهد که مسئله آن قدر مهم بود که همه افراد باید حضور داشته باشند.
۲. **اعلام نزدیک بودن رحلت:** تذکر این نکته که رحلت آن حضرت نزدیک است و به زودی دعوت حق را لبیک می‌گوید، این خود نشان از آن دارد که در پی مطرح کردن جانشین خویش می‌باشد. در متن خطبه غدیر می‌خوانیم: «وَ إِنِّي أَوْشَكُ أَنْ أَدْعِيَ فَأَجِيبُ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَصَحْتَ- و بدانید که من نزدیک است که [به سوی حق] دعوت شوم، پس اجابت کنم [و از دنیا بروم]، حال شما چه می‌گویید؟ گفتند: نصیحت کردی [و خیرخواه بودی]» (مجمع الزوائد، ابوبکر هیشمی، ج ۹، ص ۱۰۴)

این جملات از چند جهت محرک بود؛ اولاً عاطفه دوستداران پیامبر را تحریک می‌کرد که رحلت آن حضرت نزدیک است و این خود زمینه پذیرش بیش‌تر سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فراهم می‌ساخت. ثانیاً مردم را به این پرسش و می‌داشت که چرا حضرت خبر نزدیک شدن مرگ خود را به مردم می‌گوید، حتماً هدف و غرضی دارد. ثالثاً ذهن کنجکاو مردم را به این سو سوق می‌داد که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی باید خلیفه و جانشین او باشد، و خود این حالت توجه مردم را به سوی سخنان حضرت بیش‌تر جذب می‌کرد.

۳. **تذکر مجدد حدیث ثقلین:** «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي: كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي، أَلَا وَ إِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي: أَنَّهُمَا لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ... إِنَّ اللَّهَ مَسْأَلُكُمْ كَيْفَ فِي كِتَابِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي- ای مردم! بیدار باشید. در بین شما چیزی را جا گذاشتم که اگر به آن تمسک جوئید، بعد از من گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و اهل بیت. آگاه باشید (خدای) ریزبین و خیلی آگاه به من خبر داده که آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا بر من کنار حوض (کوثر) وارد شوند. به راستی خداوند از شما خواهد پرسید که بعد از من با کتابش و اهل بیتم چگونه رفتار کردید» (الرياض النضرة، محب الدین طبری، ج ۲، ص ۱۶۹)

۴. **چه کسانی بر جان مؤمن ولایت دارند؟:** نکته دیگری که برجستگی ایجاد کرد، مطرح کردن این پرسش بود که چه کسانی بر جان و مال مؤمنین ولایت دارند؟ خود پرسش و جواب گرفتن از مردم، وجدانها را بیدار می‌کند، در نتیجه موج ایجاد می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ؟ قَالُوا: اللَّهُ

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ بَيْتِي، يَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مِرَّاتٍ... ای مردم! چه کسانی برترین مردم هستند نسبت به مؤمنین [و بر آنها ولایت دارند]؟ گفتند: خدا و رسول او داناترند. فرمود: برترین مردم نسبت به مؤمنین، اهل بیت من هستند. و این را سه بار فرمود» (الریاض النضرة، ج ۲، ص ۶۹)

این جملات خیلی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ هم از این جهت که ولایت کلی اهل بیت را مطرح نموده است و هم از این جهت که سه بار مسئله را تکرار نموده است.

۵. آیات مطرح شده در خطبه غدیر: مسئله دیگری که در جریان غدیر، موج ایجاد کرد، آیاتی است که در متن خطبه به کار برده شده است؛ به عنوان نمونه:

۱. آیه تبلیغ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ (مائده/ ۶۷). «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان، و اگر این کار را نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه می‌دارد». (بحار، ج ۳۷، ص ۲۰۶)

دل را ولا و حبّ علی باصفا کند هر درد را محبت مولا دوا کند

آن شاهکار خلقت و فرمانروای عشق مدحش به آیه آیه قرآن خدا کند

۲. آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (مائده/ ۵۵). «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند». (بحار، ج ۳۷، ص ۲۰۶)

مرتضی را دان ولی اهل ایمان تا ابد چون ز دیوان ابد دارد مثال «اتما»

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! قرآن بیان می‌کند که امامان بعد از او (علی علیه السلام) فرزندان او هستند و من نیز به شما اعلام کردم که آنان از [نسل] من و او هستند. آنجا که خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: «كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»؛ (زخرف/ ۲۸؛ بحار، ج ۳۷، ص ۲۱۵). «کلمه پاینده در نسل او»

۴. آیه بیعت: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ (فتح/ ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۶ و ص ۱۶۶) «کسانی که با تو بیعت می‌کنند [در حقیقت] تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها بر زیان خود پیمان شکسته است.» و همین‌طور آیات اکمال (مائده/ ۳)، و افشای منافقین (نور/ ۱۵) نیز در پایان اشاره فرمود که آیات بی‌شماری درباره علی علیه السلام در قرآن نازل شده است، آنجا که فرمود: «و آیه خشنودی [پروردگار] جز درباره او نازل نشده است. و مخاطبه خداوند با مؤمنان آغازش با او (علی علیه السلام) است. آیه مدحی در قرآن نازل نشده است مگر او داخل آن است و در «هل اتی» بهشت را برای او شهادت داده است و سوره «هل اتی» درباره غیر او [و اهل بیتش] نازل نشده است و جز او به وسیله آن مدح نشده است». (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵)

۶. مطرح نمودن امامت امامان و حضرت مهدی علیه السلام: نکته دیگری که موج‌آفرین بود، مطرح نمودن امامت تمامی امامان دوازده‌گانه در خطبه غدیر است، برخلاف آنچه که در اذهان عمومی جا گرفته است، حضرت بر امامت تمامی امامان در بیش از شش مورد تصریح نموده است. از جمله فرمود: «ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ وَ رَسُولُهُ»؛ (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۷ و ۲۰۸) سپس بعد از من، علی علیه السلام ولی و امام شما به فرمان خداست. سپس امامت در نسل من از فرزندان علی علیه السلام تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، می‌باشد».

و همین‌طور امامت حضرت مهدی علیه السلام و دست‌آوردهای حکومت او که در خطبه غدیر مطرح کرده است؛ مثل: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلَى وَصِيٍّ أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ»؛ (بحار

(الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲) ای مردم! به راستی من نبی، و علی وصی من است. بدانید که آخرین امامان از ما، مهدی قائم است...»

۷. تأکید و تجسمی نمودن حادثه: امر دیگری که برجستگی آفرید، تأکید و تکرار ولایت علی علیه السلام بود. علامه امینی در بخش دیگر از خطبه غدیر به نقل از اهل سنت نقل می‌کند که «پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ- يَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي لَفْظِ أَحْمَدَ إِمَامِ الْحَنَابِلَةِ: أَرْبَعَ مَرَّاتٍ؛ به راستی خدا، مولای من است و من، مولا و سرپرست مؤمنان هستم، و بر آنها از خودشان اولی می‌باشم. پس هر کس من مولا و سرپرست او بوده‌ام، علی مولا و سرپرست اوست» (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را سه بار و بنا بر قول احمد، امام حنابله چهار بار تکرار نمود. علاوه بر تکرار، مسئله را نمایشی و تجسمی اجرا کرد، به این صورت که دست علی علیه السلام را بالا برد به گونه‌ای که زیر بغل هر دو نفر پیدا شد. و اشاره کرد که این علی را می‌گویم، حضرت اگر تجسم نمی‌کرد، امکان داشت که علی نامی را پیدا کنند و بگویند که شاید منظور پیامبر صلی الله علیه و آله این علی بوده است. به راستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بحث ولایت و امامت، سنگ تمام گذاشت و با روش‌های گوناگون مسئله را تبیین نمود. حتی اهل بیت علیهم السلام را در جریان نزول آیه تطهیر و حدیث کساء زیر عبا قرار داد، و فرمود: اینها اهل بیت من هستند، تا عده‌ای نیایند و بگویند که همسران پیامبر نیز داخل اهل بیت می‌باشند [چنانکه گفتند]. در اینجا نیز دست علی را بالا برد تا بر همه روشن شود که مقصود، علی بن ابی طالب است». (الغدیر، ج ۱، ص ۳۳).

۸. تأکید بر اعلان به دیگران: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول عمر مبارکش ده‌ها خطبه ایراد نموده است که در هیچ یک از آنها جز آنچه مربوط به ولایت و امامت می‌شود، تأکید نکرده است که حاضران به غائبان برسانند و نسل امروز به نسل فردا. در روایت و نقل اهل سنت، این جمله آمده است: «أَلَا فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ؛ (الغدیر، ص ۱۱ و ۳۳). توجه کنید باید که حاضران به غائبان [داستان غدیر را] برسانند»؛ ولی در نقل‌هایی که از طرق شیعه آمده، با تأکید و وضوح بیش‌تر بیان شده است. در بخشی از خطبه غدیر می‌خوانیم:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً فِي عَقَبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- ای مردم! خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم، و من ابلاغ کردم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر هر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس حاضران، به غائبان و پدران، به فرزندان تا روز قیامت برسانند.» (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله به این هم اکتفا نکرد، بلکه از آنان تعهد گرفت که جریان غدیر را به نسل‌های آینده برسانند: «فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ... نَحْنُ نُؤَدِّي ذَٰلِكَ عَنْكَ الدَّائِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَهْلَانَا نُشْهَدُ اللَّهَ بِذَٰلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهٖ شَهِيدٌ- سپس همگی بگویید... [ای رسول خدا، این مطالب خطبه غدیر را] از طرف تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیل‌هایمان می‌رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می‌گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می‌کند و تو نیز بر این اقرار، شاهد هستی» (عوالم العلوم، ج ۱۵، ص ۳۷۵ و ۳۷۶)

۹. تاج‌گذاری با عمامه «سحاب»: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جریان غدیر خم، عمامه خود «سحاب» را به عنوان تاج افتخار بر سر امام علی علیه السلام، نهاد. محمد جوینی از امام باقر علیه السلام در این زمینه چنین نقل کرده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَمَّ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ عَمَامَتُهُ السَّحَابُ فَأَرْخَاَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ؛ (فرائد السمطين، ج ۱، ص ۷۶، باب

۱۲). پیامبر صلی الله علیه و آله [در مراسم غدیر خم] عمامه خود «سحاب» را بر سر علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمود» و فرمود: «الْعَمَامَةُ تَجَانُّ الْعَرَبِ» (الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۱). عمامه‌ها، تاج‌های عرب است.» و خود امام علی علیه السلام گزارش داده است که: «عَمَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ بِعَمَامَةٍ فَذَلَّ نَمْرَقَهَا عَلَى مَنْكَبِي وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ آيَدِي يَوْمَ بَدْرٍ وَحَنْبِنٍ بِمَلَائِكَةٍ مُتَعَمِّمِينَ بِهَذِهِ الْعَمَامَةِ» (الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم عمامه بر سرم بست و یک طرفش را بر دوشم رها کرد، و فرمود: خداوند در روز بدر و حنین مرا به وسیله ملائکه‌ای که چنین عمامه ای بر سر داشتند، یاری نمود» عمامه گذاردن از این جهت مؤثر است که اولاً در مردم شوق و شادی ایجاد می‌کند و ثانیاً نشانه رسیدن به مقامی است همچون امامت و وصایت. (الغدیر، ص ۲۹۰ - ۲۹۳).

سرچشمه هستی جهان مست علی بود
پیمانه عشق ازلی مست علی بود
می خواست نبی دست خدا را بفشارد
دستی که خدا داد به او دست علی بود

۱۰. تأکید بر بیعت گرفتن رسمی: حضرت در متن خطبه غدیر، بر بیعت‌گیری و بیعت کردن مردم پای فشرد، که این نکته نیز موج‌آفرین است؛ چون می‌فهماند که بحث امامت و پیشوایی مطرح است نه فقط دوستی و محبت؛ لذا فرمود: «ای مردم! من برایتان بیان کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می‌فهماند. بدانید که من بعد از پایان خطابه‌ام، شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می‌خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم... ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که درباره آنچه برای علی امیر المؤمنین علیه السلام و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند، منعقد نمودم، از زبان شما اقرار بگیرم...» آن‌گاه فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ كُلَّمَا بَاقِيَةً» (اليقين، سيد علی بن طاووس الحلّی، ص ۳۵۸)، ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی امیر مؤمنان علیه السلام و حسن و حسین و امامان از ایشان به عنوان کلمه باقیه، بیعت کنید.» و نیز فرمود: «هر کس بیعت را بشکند، به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند، خداوند به او اجر بزرگی عنایت می‌فرماید...»

الغدیر در کلام رهبری:

«مرحوم آقای مطهری رضوان الله علیه مقاله‌ای به نام الغدیر و وحدت اسلامی دارد. مرحوم علامه امینی، عقیده شیعه را در الغدیر اثبات کرده است؛ اما کتاب، بیان، لحن، سلیقه و شیوه برخورد او با مسئله، طوری است که همه مسلمین را جذب می‌کند. شما تقریظ‌هایی را که مسلمانان مصر، شام و دیگر نقاط دنیا بر کتاب ایشان نوشته‌اند، ببینید! ما باید توجه داشته باشیم که نوع طرح مسئله، طوری نباشد که به جدایی مسلمان‌ها بینجامد؛ این، خیلی مهم است. الان جمعیت انبوهی از مسلمانان دنیا به مکتب و مذهب ما معتقدند و در دنیا هم آبرومندند. هم جمهوری اسلامی در ایران و هم شیعیان در هر نقطه‌ای که هستند، مردم آبرومندی هستند و در عراق، لبنان و جاهای دیگر، مسلمان‌ها به وجود اینها افتخار می‌کنند. بنابراین باید مراقب باشیم که مسئله را طوری طرح نکنیم که هم‌عقیده‌های خودمان ناراحت شوند. البته باید عقیده خودمان را بیان و آن را تثبیت کنیم؛ اما اشتباهات و خطاها را هم برطرف کنیم.»

غدیر خم اگر سایه‌فکن بود
ولايت اهرمی دشمن شکن بود
صفوف ما جدا از هم نمی‌شد
شکوه و عزّت ما کم نمی‌شد
نه بذر فتنه می‌پاشید دشمن
نه «ما» تقسیم می‌شد بر «تو» و «من»

کنون ماییم و اشک و سوگواری
محرم بذر غم می‌کارد امروز
محبت هم سرشته با گل ماست

کنون ماییم و درد داغداری
غدير ما محرم دارد امروز
ولایت گنج عشقی در دل ماست